

گزارش

در تیررس زلزله و جنگ

یکی از مکان‌هایی که دشواری ورود و بررسی آنها زیاد است، مراکز دولتی هستند؛ «همین بیمارستان‌ها یا مراکز دولتی مثل دانشگاه که شما به آن اشاره می‌کنید هم ما ورود کرده‌ایم. تذکر داده‌ایم و بارها حساسیت‌های پیرامونی‌شان را برسرهم‌یم. اما ما که نمی‌توانیم حکم تعطیلی برایشان صادر کنیم. یک بوروکراسی پیچیده در این زمینه وجود دارد که نیازمندی همکاری و تعامل سایر نهاده‌ا را بر جسته می‌کند. سازمان داوطلب می‌شود تا با هزینه خودش مشاوره ایمن‌سازی بدهد چون نگاه غیرانتفاعی است و هدف اصلی، ارتقای ایمنی شهر است.»

عبدولی می‌گوید وقتی متولیان موازی‌کاری‌کنند، رسیدن به یک هدف دشوار می‌شود: «شما تصور کنید که ما بارها نسبت به نایلین‌بودن بخش‌های قابل توجهی از بازار تهران هشدار داده‌ایم. پنج سال است که طرحش را هم ارسال کرده‌ایم اما به جایی نمی‌رسد. در زمینه فرهنگ‌سازی و آموزش هم خیلی تلاش می‌کنیم اما همان‌طور که گفتیم به‌تنبهایی نمی‌توانیم در این زمینه تغییر بنیادین ایجاد کنیم. همین حالا مسئله ایمنی، متولیان زیادی دارد؛ از پدافند غیرعامل گرفته تا سازمان مدیریت بحران، هلال‌احمر، سازمان مهندسی، سازمان نوسازی و برخی نهادهای امنیتی. در شرایط عادی همه پاسخ‌گو هستند، ولی به محض اینکه حادثه‌ای رخ می‌دهد، آتش‌نشانی نخستین ارگانی است که وارد عمل می‌شود و تاسف‌برانگیز آنجاست که در نهایت هم مواخذه می‌شود. با اینکه اختیار عمل محدودی دارد اما انتظارات از سازمان آتش‌نشانی بالاست. این میزان موازی‌کاری در این حوزه باید از بین برود تا متولی اصلی با اختیار عمل خود بتواند موانع موجود را پشت سر گذاشته و کام‌جدی‌تری در زمینه ایمنی شهر برآورد.»

رصد۱۶هزار ساختمان بلندو مهم

اما فهرست آتش‌نشانی همه ماجرای ایمنی ساختمان‌های تهران نیست. سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران نیز ساختمان‌ها را از نظر ایمنی سازه بررسی می‌کند؛ یعنی درست همان جایی که با وقوع مخاطره طبیعی همچون زلزله مواجه است. این سازمان نیز طی تفاهم‌نامه‌ای که ۹ دستگاه دیگر از جمله وزارت راه و شهرسازی، نظام مهندسی، معاونت فنی و عمرانی شهرداری، فوای (سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات) شهرداری، وزارت کار ... انجام داده است، تا به حال حدود ۱۶ هزار ساختمان «بلند» و «مهم» را ثبت کرده و درباره وضعیت حدود ۹ هزار ساختمان نیز ثبت سطح مخاطره شده که البته داده‌های این ارزیابی تا به حال در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته است. «علی شریفی، معاون پیشگیری و کاهش خطر سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران با اشاره به این ارزیابی که از دو سال پیش آغاز شده است، به «شرق» می‌گوید: «در قانون مدیریت بحران، ماده ۱۴ به تشریح وظایف درباره ساختمان‌ها پرداخته است. بند «ض» این قانون، درباره ایمنی ساختمان‌ها در مقابل یک‌سری مخاطرات است که وزارت مسکن و شهرسازی هم دراین‌باره تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده است. از بخش تفاهم‌نامه‌ها به مرکز تحقیقات، بخش حریق بر عهده سازمان آتش‌نشانی و بخش ایمنی مقابل زلزله با ماست. از آنجایی که بخش ایمنی سازه در مقابل زلزله از همه برای ما مهم‌تر است، با مرکز تحقیقات راه و مسکن و شهرسازی قراردادی بستیم که به ارزیابی ساختمان‌های «بلند» و «مهم» بپردازند. پروژه‌ای که دو سالی می‌شود که در جریان است و تا به حال ۱۶ هزار ساختمان ارزیابی شده‌اند و گزارش حدود ۹ هزار ساختمان به دست ما رسیده که در چهار سطح دسته‌بندی شده‌اند. سطح A، ساختمان‌های ایمن مشروط، سطح B، ساختمان‌های ناایمن با خطر کم، سطح C، ساختمان‌های ناایمن با خطر زیاد و سطح D، ساختمان‌های ناایمن با خطر زیادی است که حتما باید تخریب و نوسازی شوند». او با اشاره به اسامی برخی از بیمارستان‌ها که در این ارزیابی ثبت شدند، ادامه می‌دهد: «بورو همین طرح، چندین ساختمان مهم از جمله بیمارستان رسول اکرم، بوعلی، فجر و لولاگر و یا مرکز تجارت جهانی میدان فردوسی، اقدامات قابل توجهی انجام داده‌اند و برخی حتی عملیات تخلیه و نوسازی را هم آغاز کرده‌اند.»

نیازمندمدیریت یکپارچه‌شهری هستیم

شریفی با تفکیک ایجاد مختلف بحران درباره جنگ و مخاطرات طبیعی توضیح می‌دهد: «قانون مدیریت بحران کشور مصوب سال ۹۸، مخاطرات اجتماعی که در حوزه امنیتی و انتظامی باشند را در حوزه‌کاری بحران دسته‌بندی نمی‌کند. به خاطر این‌که تصمیم‌گیری در این زمینه هم مسئولیت‌های خاص خودش را دارد. به این معنا که شما تصور کنید که نیاز به تخلیه در شرایط اضطرار وجود دارد. به این منظور، اگر زلزله رخ داده باشد، مردم باید از خانه خارج شوند و در فضای باز ساکن شوند. اگر سیل رخ دهد باید به طبقات بالا بروند و اگر جنگ رخ دهد باید زیر زمین بروند. در معاونت پیشگیری و کاهش خطر، سیل و زلزله مدنظر قرار می‌گیرد و ارزیابی ساختمان‌ها هم بر همین اساس، مبتنی بر وضعیت سازه است. قطعا که در جنگ اگر سازه مقاومت باشد و محیطی در اطراف محل سکونت افراد مورد حمله قرار گیرد، میزان خسارت و آسیب پایین می‌آید. به همین جنگ ۱۲ روزه هم که نگاه کنید، متوجه خواهید شد که برخی منازل که استحکام سازه‌ای بهتری داشتند، کمتر هم آسیب دیدند. البته در همین ستاد بحران هم معاونت پدافند غیرعامل هم وجود دارد که به موضوعاتی چون امنیت آمدگی مربوط به جنگ ورود می‌کند.

به گفته او، البته در قانون مقررات ساختمان نیز به مسئله بروز جنگ اشاره شده است: «مبحث ۲۱ قانون مقررات ساختمان به برخی از موارد مرتبط با جنگ اشاره می‌کند. یکی از آن موارد لزوم وجود فضای امن در ساختمان‌هاست که بر همین اساس هم وجود پاکردهای امن در برخی از ساختمان‌ها مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. موضوع بعدی اشاره به مصالح ترکش‌شونده است. شما تصور کنید که شهرداری مدیر خودش را دارد، آبراب از و گاز و برق هم هرکدام جداگانه مدیریت می‌شوند. در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا در حال حاضر، شهرداری تصمیم‌گیرنده همه این ارگان‌هاست و چنین فضای یکپارچه‌ای در شرایط بحرانی بسیار برای تصمیم‌گیری حیاتی است و سرعت عمل را بالا می‌برد. در واقع وجود نهادهایی‌که به‌طور موازی در یک حوزه نقش دارند، باعث تقسیم وظایف نمی‌شود. سازمان هواشناسی، پژوهشگاه زلزله، ما در ستاد بحران، مرکز تحقیقات راه و شهرسازی و چندین نهاد دیگر فقط در موضوع زلزله نقش دارند. در حالی که زلزله یک مخاطره زمین‌شناسی است اما قرونشست و تنش آبی هم از منشا‌های آن محسوب می‌شود. روشن است که موضوع تا چه اندازه بین‌نهادهی است و همین هم دشواری‌هایی را در شرایط بحران ایجاد می‌کند.»

معاون پیشگیری و کاهش خطر سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران، در پایان ضرورت مدیریت یکپارچه شهری را یکی از اصلی‌ترین روش‌ها برای مدیریت بهتر شرایط اضطرار معرفی می‌کند: «نبود مدیریت یکپارچه شهری یکی از نقاط ضعف جدی است که ما در شرایط بحرانی با آن مواجه می‌شویم. شما تصور کنید که شهرداری مدیر خودش را دارد، آبراب از و گاز و برق هم هرکدام جداگانه مدیریت می‌شوند. در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا در حال حاضر، شهرداری تصمیم‌گیرنده همه این ارگان‌هاست و چنین فضای یکپارچه‌ای در شرایط بحرانی بسیار برای تصمیم‌گیری حیاتی است و سرعت عمل را بالا می‌برد. در واقع وجود نهادهایی‌که به‌طور موازی در یک حوزه نقش دارند، باعث تقسیم وظایف نمی‌شود. سازمان هواشناسی، پژوهشگاه زلزله، ما در ستاد بحران، مرکز تحقیقات راه و شهرسازی و چندین نهاد دیگر فقط در موضوع زلزله نقش دارند. در حالی که زلزله یک مخاطره زمین‌شناسی است اما قرونشست و تنش آبی هم از منشا‌های آن محسوب می‌شود. روشن است که موضوع تا چه اندازه بین‌نهادهی است و همین هم دشواری‌هایی را در شرایط بحران ایجاد می‌کند.»

گزارش «شرق» از وکلایی که در جریان پرونده‌ها، مورد خشونت قرار گرفته یا حتی کشته شده‌اند

قربانی دفاع

بررسی‌های کی پژوهش نشان می‌دهد ۸۲ درصد وکلای ایرانی حداقل یک بار تجربه خشونت داشته‌اند

۳۰ درصد خشونت‌ها در پرونده‌های خانواده رخ داده است



درمان گرفته تا حمایت روانی، آموزش‌های پیشگیرانه و همکاری مؤثر با نیروی انتظامی و دادگاه‌ها. شاید نتوان خشونت را به‌طور کامل حذف کرد، اما می‌توان آن را به حداقل رساند.

«حسن صفری»: بی‌دفاع کشته شد

همسر و دو فرزندش یک سالی است که در سوگ از دست دادن این وکیل نشسته‌اند. «حسن صفری» پدر دو فرزند خردسال بود؛ یک پسر دوساله و یک دختر شش‌ساله به نام «نفس». او انسانی آرام، محترم و اخلاق‌مدار بود؛ اینها را اکبر یساولی، وکیلش به «شرق» می‌گوید و در ادامه با روایت جزئیات پرونده قتل این وکیل دادگستری، از ناامنی گسترده وکل‌ا در جریان انجام ماوریت‌های حرفه‌ای، به‌ویژه در پرونده‌های خانواده و اجرای احکام، انتقاد می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «ما عملا بی‌دفاع وارد موقعیت‌های پرخطر می‌شویم». یساولی، وکیل دادگستری و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای استان مرکزی، درباره جزئیات قتل حسن صفری توضیح می‌دهد: «این حادثه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ رخ داد. مرحوم صفری به‌همراه موکل، برادر موکل و کارشناس رسمی دادگستری برای ارزیابی و توقیف اموال، به منطقه نظم‌آباد اراک رفته بود. بدیهی است که وکیل دادگستری برای انجام یک اقدام اداری و قضایی، نه سلاخی دارد و نه اساسا مجاز به حمل آن است. بر اساس اطلاعات موجود، این فرد پیش از آن‌که به محل حضور وکیل برسد، به برادر همسرش تیراندازی کرده و او را مجروح می‌کند. سپس بدون هیچ درگیری را گفت‌وگویی، خود را به محل حضور وکیل می‌رساند، در حالی که فاصله این دو محل حدود ۱۰۰ متر بوده و صدای تیراندازی شنیده نشده بود. سپس متهم با فحاشی و اتهام‌زنی به مرحوم صفری، او را مقصر مشکلات زندگی خود معرفی می‌کند. مرحوم صفری التماس می‌کند که تیراندازی نکند، اما متأسفانه متهم با شلیک گلوله به ناحیه پشت گردن، او را به‌شدت مجروح می‌کند». به گفته این وکیل دادگستری، حسن صفری نزدیک به چهار ماه در کما بود و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد اما در نهایت جانش را از دست داد: «معتمد که او شهید راه عدالت شد. بار سنگین ناکارآمدی‌ها و بی‌توجهی به امنیت وکلا، به شکلی دردناک بر پیکر او فرود آمد. پرونده در حال حاضر در شعبه اول بازپرسی در جریان است. بازسازی صحنه جرم انجام نشده، اما هنوز کیفرخواست صادر نشده است. شکایت ما به عنوان قتل عمد مطرح شده و با توجه به اینکه متهم باید از این اقدام، ریزه درگیری را نیز مجروح کرده، از نظر حقوقی امکان بررسی عناوینی فراتر از قصاص نفس، از جمله افساد فی‌الارض، وجود دارد، البته تشخیص نهایی با قاضی پرونده است. هرچند متأسفانه سرعت رسیدگی در این‌گونه پرونده‌ها پایین است. البته فقط هم مختص این پرونده نیست. در سال‌های اخیر، به دلایل مختلفی از جمله حجم پرونده‌ها و مشکلات ساختاری، این کندی به چشم می‌خورد. ما به بسیاری از پرونده‌ها، به‌ویژه هنگام اجرای قرار کارشناسی یا حضور در محل، با تهدید جانی مواجهیم.

خود من در پرونده‌هایی شاهد حمله با سلاح سرد، بیل، چوب

و ابزار کشاورزی بوده‌ام. وکیل نه امکان دفاع دارد، نه مجاز به

حمل سلاح است و نه حمایت مؤثری در محل احساس می‌کند. در پرونده‌های حساس، اگر کمک محسوس‌تری در تأمین امنیت وکیل تأکید کند و از ظرفیت ضابطان قضائی استفاده شود، این حمایت‌ها اگرچه گاهی وجود دارد، اما کافی نیست».

۸۲ درصد وکلای ایرانی تجربه خشونت داشته‌اند

با افزایش شنیده‌شدن اخبار مربوط به خشونت علیه وکلا، امیرمسعود دلاوری، وکیل پایه یک دادگستری و پژوهشگر حوزه حقوق، در گفت‌وگو با «شرق» درباره این پژوهش توضیح می‌دهد: «این تحقیق را در قالب یک پروژه دانشگاهی و با همکاری کمیته وکلای در معرض خطر اسکودا و به‌ویژه با همراهی صالح نقره‌کار انجام دادیم. داده‌های پژوهش مربوط به سال ۱۴۰۲ است و هدف ما ترسیم یک تصویر کلی از وضعیت وکلای ایرانی در مواجهه با انواع خشونت بود». به گفته او، این پژوهش هزارو ۴۱۷ نفر وکیل دادگستری شرکت کرده‌اند و نتایج آن تکان‌دهنده است: «براساس یافته‌ها، ۸۲ درصد وکلای ایرانی دست‌کم یک بار تجربه خشونت داشته‌اند؛ خشونت‌هایی شامل خشونت فیزیکی، تهدید، توهین و تخریب. همچنین ۸.۵ درصد پاسخ‌دهندگان (۱۲۱ نفر) خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند، ۵۵ درصد (۷۹۹ نفر) با توهین و پرخاشگری کلامی مواجه بوده‌اند، ۱۶.۱ درصد تهدید شده‌اند و حدود ۸.۸ درصد نیز تخریب اموال را گزارش کرده‌اند». این پژوهش همچنین وضعیت ایران را با پنج کشور دیگر مقایسه کرده است: هلند، نروژ، آمریکا، آلمان و اتریش. دلاوری ادامه می‌دهد: «نتیجه مقایسه نشان می‌دهد میزان خشونت فیزیکی علیه وکلا در ایران تقریبا دو برابر این کشورهاست و در حوزه تهدید، آساید این عدد به حدود سه برابر می‌رسد. برای مثال، در حالی که ۵۵ درصد وکلای ایرانی تهدید را تجربه کرده‌اند، این عدد در کشورهای اروپایی و آمریکا بین ۱۸ تا ۲۰ درصد است». به گفته دلاوری، در ۷۴ درصد موارد خشونت فیزیکی، عامل خشونت طرف مقابل پرونده بوده و نقش موکل، همکاران، کارکنان اداری، ضابطان یا افراد ناشناس سهم بسیار کمتری داشته است: «از نظر نوع پرونده نیز بیشترین خشونت‌ها در پرونده‌های خانواده رخ داده که حدود ۳۰ درصد است. پس از آن پرونده‌های کیفری و سپس

گزارش «شرق» از وکلایی که در جریان پرونده‌ها، مورد خشونت قرار گرفته یا حتی کشته شده‌اند

قربانی دفاع

بررسی‌های کی پژوهش نشان می‌دهد ۸۲ درصد وکلای ایرانی حداقل یک بار تجربه خشونت داشته‌اند

۳۰ درصد خشونت‌ها در پرونده‌های خانواده رخ داده است

دعای مربوط به اراضی، اسناد تجاری و شرکت‌ها قرار دارند». این پژوهشگر خشونت علیه وکلا را صرفا یک مسئله صنفی نمی‌داند، بلکه آن را یک پدیده اجتماعی پیچیده توصیف می‌کند: «خشونت علیه وکلا بر دو بستر اصلی شکل می‌گیرد؛ نخست، خشم جابه‌جاشده در جامعه‌ای که فشارهای اقتصادی و اجتماعی آستانه تحمل را به‌شدت کاهش داده است. در چنین فضایی، وکیل به دلیل ماهیت تقابلی شغلش، به ده‌فی در دسترس برای تخلیه این خشم تبدیل می‌شود. وقتی وکیلی مورد ضرب‌وشتم یا تهدید قرار می‌گیرد، نه سازوکار روشنی برای حمایت حقوقی دارد، نه حمایت روانی. حتی در مواردی خود دود دودسرا

نیز با نگاه بدبینانه برخورد می‌کند؛ گویی وکیل حتما محقر بوده است». دلاوری با اشاره به تجربه کمیته وکلای در معرض خطر اسکودا می‌گوید: «ما در این کمیته موفق شده بودیم کانال ارتباطی مستقیمی با نیروی انتظامی ایجاد کنیم تا در موارد خشونت، پیگیری فوری مثل بررسی دوربین‌ها و شناسایی ضارب انجام شود. اما با انحلال این کمیته، عملا هیچ نهاد ملی و منسجمی برای واکنش سریع باقی نمانده است». به گفته دلاوری، پیامد این خلأ نهادی، سردرگمی و رهاشدگی قربانیان است: «امروز اگر وکیلی در شهری مورد حمله قرار بگیرد، معلوم نیست کدام کانون مسئول پیگیری است. نمونه‌های متعددی داریم که حتی پس از قتل یا جراحت شدید وکلا، پیگیری منسجمی از سوی نهادهای صنفی صورت نگرفته است. بسیاری از این خشونت‌ها همچنان و لحظه‌ای هستند و فرد مهاجم اساسا به مجازات فکر نمی‌کند. راهکار اصلی، اصلاحات ساختاری است؛ از آموزش اجباری مهارت‌هایی مانند مدیریت بحران و تنش‌زدایی در دوره کارآموزی گرفته تا احای یک نهاد ملی متمرکز با خط تماس اضطراری، حمایت حقوقی و خدمات روان‌شناختی. انحلال کمیته وکلای در معرض خطر، آن‌هم درست در زمانی که خشونت علیه وکلا به اوج رسیده است، درد غفلت تاریخی بود. اگر قرار است از جان و امنیت وکلایی که ستون عدالت قضائی‌اند حفاظت شود، چاره‌ای جز بازگشت به سیاست‌گذاری علمی، ملی و حمایتی نداریم».

زندان و آسیب‌های جدی روانی و جسمی

صالح نقره‌کار، مدیر سابق کمیته وکلای در معرض خطر اسکوداست. او درباره حمایت از وکلا، با انتقاد از انحلال این کمیته به «شرق» می‌گوید: فقدان یک نهاد متمرکز ملی، حمایت ساختارمند از وکلای دادگستری را تضعیف کرده و امروز بسیاری از وکلا در برابر تهدیدهای قضائی، امنیتی، مالی و روانی بی‌پناه مانده‌اند. نقره‌کار با اشاره به تجربه چندساله کانون‌های وکلای دادگستری در حوزه حمایت صنفی توضیح می‌دهد: «در سال‌های اخیر، کمیسیون‌های حمایت در کانون‌های وکلا فعال بوده‌اند، اما ارزیابی من این است که این کمیسیون‌ها نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر و کافی وظایف حرفه‌ای خود را در حمایت از وکلا انجام دهند. هرچند در مواردی اقداماتی پراکنده و غیرمنسجم، از‌جمله همکاری با مراجع قضائی و انتظامی یا امضای تفاهم‌نامه‌هایی با قراجا صورت گرفته، اما این اقدامات کافی نبوده است». به گفته نقره‌کار، همین کاستی‌ها باعث شد اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری اسکودا، با هدف ایجاد حمایت سازمان‌یافته، اقدام به تشکیل کمیته تخصصی نداشته باشد و هر کانون در سطح استانی به‌طور مستقل عمل کند. هرچند هیئت‌مدیره‌ها اختیار چنین تصمیمی را دارند، اما از منظر حکمرانی صنفی، این تصمیم به نوعی بی‌سازمانی و فقدان توابت متمرکز در حمایت از وکلای دادگستری انجامید، نقره‌کار این تصمیم را «صدمه‌زننده به تمرکز و ساختارمندکردن حمایت از وکلای در معرض خطر» می‌داند و می‌گوید: «وکلا برخلاف قضات و دادستان‌ها،

از حمایت‌های ساختاری و هنجارمند حکومتی برخوردار نیستند، در حالی که خدمتی عمومی ارائه می‌دهند و ذات حرفه‌شان، آنها را در معرض تعارض منافع، باندباهی، تبعیض و خشونت قرار می‌دهد. فقدان یک متولی مشخص و ملی، به‌طور جدی این حوزه را آسیب‌پذیر کرده است. ما امروز با وکلایی مواجهیم که یا در زندان هستند یا با خطر جدی جسمی، روحی و مالی روبه‌رو شده‌اند. بسیاری از همکاران پس از خشونت‌های فیزیکی یا فشارهای روانی، نه تحت پوشش بیمه مؤثری هستند و نه از حمایت‌های تأمینی و مراقبتی برخوردارند. این وضعیت به‌ویژه برای وکلای جوان‌تر، در شرایطی که با قوانین و سیاست‌های محدودکننده‌ای مانند تسهیل مواجه‌اند، نگران‌کننده‌تر است».

خبرهای روز

۱۲۰۰۸: میانگین معدل دوازدهمی‌ها

ایلنا: مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران گفت: «میانگین معدل پایه دوازدهم در آموزش و پرورش شهر تهران که شاخص سنجش اکثر استان‌هاست، ۱۲۰۰۸ است و رتبه دوم کشور را داریم». مجید پارسا افزود: «آموزش و پرورش شهر تهران با بیش از یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر دانش‌آموز و ۵۸ هزار معلم شاغل در مدارس دولتی و کارمند رسمی و ۲۵ هزار معلم شاغل در مدارس غیردولتی در حال کار است». او در ادامه اضافه کرد: «در آموزش و پرورش شهر تهران، میانگین معدل پایه دوازدهم که شاخص سنجش اکثر استان‌هاست، ۱۲۰۰۸ است و رتبه دوم کشور را داریم. سرانه فضای ورزشی ما نیز از ۲۶ سانتی‌متر به ۳۰ سانتی‌متر در شهر تهران رسیده است».

۷۷درصد: شدت خشک‌سالی درتهران

ایرنا: فعال محیط زیست با اشاره به بازنگی‌های اخیر در کشور و تأثیر آن بر کاهش خشک‌سالی گفت: «شرکت مدیریت منابع آب ۱۵ آزمون‌ا اعلام کرد که شدت خشک‌سالی در ایران نسبت به دوره ۵۷ساله، ۸۴ درصد است اما بارش‌های اخیر آن را به مثت چهار رساند، البته در تهران شدت خشک‌سالی ۷۷ درصد است که نسبت به دو هفته گذشته ۲۰ درصد کاهش داشته است». محمد درویش در جشنواره «تجلیل از پژوهشگران و مشاوران سازمان حفاظت محیط زیست» افزود: «اخیرا آمارهای شرکت مدیریت منابع آب ایران را بررسی می‌کردم و دیدم نسبت به ۱۵ آذرماه که نسبت به میانگین ۵۷ساله اعلام کرده بود، در ۲۹ آذر مثبت چهار درصد اعلام کرده است، یعنی در کمتر از دو هفته ما از یک خشک‌سالی شدید به یک ترسالی شگفت‌انگیز و باورنکردنی رسیدیم». او ادامه داد: «الان بدترین وضعیت را در استان تهران داریم، شدت خشک‌سالی آن اکنون ۷۷ درصد است اما نسبت به دو هفته پیش ما ۲۰ درصد کاهش یافته است، اینها همه نشان‌دهنده این است که ما وارث سرزمینی شگفت‌انگیز هستیم که همیشه در بنگاه‌هایی که فکرش را هم نمی‌کنیم، می‌تواند برای ما امید به همراه بیاورد». درویش افزود: «در هرمزگان که میزان ریزش‌های آسمانی ۴۲۳ درصد بیشتر از میانگین ۵۷ساله شده است و تقریبا خیلی از روستاها و سکونتگاه‌ها آسیب جدی دیدند اما یک روستا به نام «گزیر» هیچ نوع آسبایی ندیده و مردم جشن و پایکوبی راه انداختند. اگر گذرگان به شهرستان بندر لنگه افتاده باشد، آنجا شاهد یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های ایران هستیم، سکونتگاهی با ۵۰۰۰ نفر جمعیت که کتابخانه‌ای با وسعت ۳۵ هزار مترمربع دارد. مردم گزیر چند هزار سال است که یاد گرفته‌اند چگونه سیلاب‌ها را به نعمت تبدیل کنند و جریان‌های هفگفت سیلانی را مدیریت می‌کنند تا وارد زمین نشود و در اعماق ۶۳ متری هدایت می‌کند تا به کشتزارها و نخلستان‌های پرشوکه برسد».

مهاجرت بیش از هزار نفر از استادان در ۵ سال اخیر

ششققا: معاون وزیر علوم از مهاجرت بیش از هزار نفر از استادان و پژوهشگران در پنج سال اخیر خبر داد و گفت: «باید علل و زمینه‌های مهاجرت استادان و پژوهشگران را پیدا کرد و باید سعی کنیم زمینه‌های ماندگاری آنها را فراهم کنیم». مهدی ابطحي، معاون پژوهشی وزارت علوم، وضعیت ایران در منطقه را از نظر شاخص نیروی انسانی نامناسب دانست و گفت: «شما ضعف‌هایی که ما داریم و شاخص‌هایی که رتبه ما را پایین می‌آورد در حمایت است و دیگری هم روابط بین‌الملل که باید تقویت شود». او مهاجرت نخیکان را در این زمینه تأییدگار دانست و تأکید کرد: «در کاهش رتبه علمی ایران سه عامل «مهاجرت»، کاهش میزان «حمایت از پژوهشگران» و «روابط بین‌الملل» اثرگذار است». او مهاجرت استادان را در کاهش پژوهش اثرگذار دانست و گفت: «شاید بیش از هزار نفر از استادان و پژوهشگران ایران در پنج سال اخیر از کشور مهاجرت کردند. باید علل و زمینه‌های مهاجرت استادان و پژوهشگران را پیدا کرد چون در آنجا هم شرایط بسیار مساعد و خوب حاکم نیست و از این رو باید سعی کنیم زمینه‌های ماندگاری آنها را فراهم کنیم».